

عربستان باشگاه دیکتاتورهای جهان



هر روز که از تحولات خاورمیانه به ویژه در کشورهای عربی می‌گذرد، این واقعیت بیشتر جلوه می‌کند که رژیم آل سعود با حمایت و پناه دادن دیکتاتورهای فراری به باشگاه و کلکسیون دیکتاتورهای جهان تبدیل شده است.

هر روز که از تحولات خاورمیانه به ویژه در کشورهای عربی می‌گذرد، این واقعیت بیشتر جلوه می‌کند که رژیم آل سعود با حمایت و پناه دادن دیکتاتورهای فراری به باشگاه و کلکسیون دیکتاتورهای جهان تبدیل شده است.

به گزارش فارس، نگاهی واقع‌بینانه به وقایع اخیر خاورمیانه معادله‌ای در برابر دیدگان اذهان بیدار قرار می‌دهد که شاید دریافت آن بدون وقوع تحولات بنیادین اخیر در خاورمیانه ممکن نبود. از زمانی که طوفان خشم ملت تونس رژیم دیکتاتوری "زین العابدین بن علی" را به زیر کشید و موج تحولات به سوی مصر گسیل پیدا کرد، نشانه‌هایی آشکار از این واقعیت‌ها هویدا شد.

* فرار رئیس جمهوری تونس به عربستان

در تونس زمانی که بن‌علی فرار را بر قرار ترجیح داد و حتی همپیمانان وی در اروپا از پذیرفتن سرباز زدن، پای رژیمی به میدان باز شد که وجودش در آن زمان شاید برای بسیاری از افکار عمومی مسئله عادی جلوه می‌کرد. واهمه اصلی سران سعودی از این مسئله است که روزی موج عظیم و توفانی تحولات جهان عرب پرونده قدرت آنان را که با ابزارهای نفتی در منطقه و جهان تثبیت شده به چالش کشیده و پایانی غم‌انگیز برای آنها رقم بزند. به همین دلیل آل سعود به پناهندگی بن علی و خانواده‌اش به عربستان و حمایت از وی در برابر جریان عظیم خشم مردم که تا نون خواستار محاکمه وی هستند، روی آورد.

* انقلاب مصر و اختلاف دیدگاه‌ها در برابر آن

تنها چند هفته بعد موج تحولات به مصر رسید و رژیم "حسني مبارك" در خطر سرنگونی قرار گرفت. موضع‌گیری جهانی در برابر تحولات مصر به سه بخش تقسیم شد. - جبهه نخست شامل کشورهای بیدار و حق طلب جهان بود که سرنگونی رژیم مبارك را امری حتمی می‌دانست و از خواسته‌های انقلابیون مصر حمایت می‌کرد. - جریان دوم: ترجیح داد بر اساس وقایعی که در عرصه مصر میان انقلابیون با رژیم مبارك می‌گذرد، تصمیم‌گیری کند و تصمیم نهایی خود را اتخاذ کرد تا از تحولات عقب نمانده و در صورت وقوع تحولات بنیادین خود را خارج از بازی نیابد. جریان دوم کشورهای اروپایی و آمریکا بودند که از همان ابتدا حرکت در مسیری پرنوسان را انتخاب کردند. - اما در اینجا جریان سومی وجود داشت که عناصر موجود در آن با ترس و هراس تحولات مصر را دنبال می‌کردند. در راس عناصر جریان سوم رژیم آل سعود قرار داشت که هرگونه تغییر در مصر بزرگ را بر خلاف مصالح خود می‌دید. کشوری که به عنوان مادر جهان عرب مطرح است و نقش اصلی را می‌تواند در جهت‌گیری کشورهای عربی ایفا کند، آنچنان که در جریان امضای توافقنامه آشتی ملی فلسطینیان پس از اختلافات چهار ساله نمود واضح آن به خوبی دیده شد.

* پادشاه عربستان با وجود بیماری شدید پیگیر تحولات مصر بود

بررسی روند وقایع آن دوره ثابت می‌کند، "ملك عبدالله" پادشاه سعودی با وجود بیماری شدید تماس‌هایی همراه با خشم با مقامات آمریکایی و شخص "باراك اوباما" داشته و از وی به خاطر عدم حمایت از رژیم مبارك بسیار گله‌مند بوده است. در واقع آل سعود مهمترین شکست خورده تحولات اخیر مصر پس از رژیم مبارك است، جایی که مصر پس از انقلاب با جهت‌گیری‌های صحیح می‌تواند رژیم‌های موسوم به میانه‌روی عربی را به چالش کشیده و رهبری جهان عرب را بار دیگر بر عهده گیرد.

* حمایت از آل خلیفه؛ جلوگیری از تکرار آنچه برسر مبارك آمد

کمی آن سوتر در بحرین نیز نمود آشکار حمایت دیکتاتورهای آل سعود از دیکتاتوری آل خلیفه به طور آشکار نمایان است. در اینجا رژیم سعودی به حمایت‌های کلامی و گفت‌وگو با مقامات آمریکایی بسنده نکرد و به طور آشکار با نظامیان خود وارد معرکه شد، آن هم در کشوری که در آن رژیم اقلیتی آل خلیفه بر اکثریت شیعه حکومت می‌کند و مردم آن در ابتدا با خواسته‌هایی در زمینه تحقق دموکراسی، انتخابات آزاد و برقراری نظام پادشاهی مشروطه به میدان آمدند اما با سرکوب شدید مواجه شدند. کشوری که با توجه به پیوند عمیق شیعیان آن با شیعیان عربستان از آن به عنوان دروازه ورود قیام به مرکز قدرت آل سعود نام برده می‌شود.

*سناریوی فرار علی عبدالله صالح به ریاض و برکناری آبرومندانه وی از قدرت

دیکتاتور دوستی رژیم آل سعود در تحولات یمن نیز قابل مشاهده است. "علی عبدالله صالح" دیکتاتور سی سال اخیر این کشور که تاکنون با ترفندهای متفاوت توانسته در راس قدرت باقی بماند، هرگز نمیتواند کمک‌های آل سعود را در این راستا نادیده بگیرد. از واقعیت دخالت رژیم عربستان در جنگ علیه حوثی‌های یمنی که برای پشتیبانی از رژیم علی عبدالله صالح صورت گرفت شاید يك سال هم سال نگذشته باشد.

در آخرین مورد ریاض با مطرح کردن طرح‌هایی در زمینه پایان مسالمت آمیز بحران یمن از سوی شورای همکاری خلیج فارس به میدان آمده است. طرحی که عدم محاکمه صالح را تضمین کرده و مقدمات فرار راحت وی از چنگال عدالت را با وجود قتل عامی که در این کشور راه انداخته به وجود می‌آورد.

* ابراز نگرانی عمیق عربستان از تحولات لیبی

در تحولات لیبی نیز مقامات سعودی با توجه به نگرانی‌های عمیق خود از آینده این کشور مواضعی بسیار سوال برانگیز اتخاذ کرده‌اند. بر این اساس، با وجود این که روابط دوجانبه رژیم قذافی و آل سعود قبل از آغاز تحولات اخیر لیبی با توجه به رخدادهایی که در مجامع عربی رخ می‌داد، چندان رضایت بخش نبود اما ریاض در اینجا هم رو به حمایت از رژیم در آستانه سرنگونی قذافی آورده است.

آخرین مورد از حمایت‌های آل سعود از قذافی در عدم صدور مجوز برای عبور هواپیمای حامل وزیر خارجه انقلابیون لیبی از حریم هوایی این کشور دیده شد که طی آن این مقام مخالف قذافی از سفر به قطر بازماند.

* هراس آل سعود از رسیدن موج انقلاب‌های مردمی به عربستان

به واقع با نگاهی گذرا به تحولات اخیر جهان عرب در تونس، مصر، لیبی، یمن و بحرین حمایت پیدا و پنهان آل سعود از دیکتاتورهای جهان عرب دیده می‌شود. این مسئله زمانی با دیکتاتورنوازی بن علی، بعدها با تلاش در زمینه بقای مبارک و سپس در جهت سرکوب مخالفان رژیم آل خلیفه با گسیل نظامیان دیده می‌شود. به واقع در اینجا این سوال مطرح می‌شود که آل سعود از انجام تمامی این اقدامات چه مسئله‌ای را دنبال می‌کند؟ به واقع رژیم دیکتاتوری سعودی با تلاش در جهت بقای دیکتاتورهای برای بقای خود دست و پا می‌زند. بیم اصلی سران سعودی از این مسئله است که روزی موج عظیم و طوفانی تحولات جهان عرب پرونده قدرت آنان را که با ابزارهای نفتی در منطقه و جهان تثبیت شده به چالش کشیده و پایانی غم انگیز را برای این شاهزاده‌های سرمست از قدرت رقم بزند.

* دست‌های پنهان آل سعود در ناآرامی‌های سوریه

در همین شرایط و با آغاز ناآرامی‌ها در سوریه که سال‌ها عربستان سعودی با آن بر سر مسئله لبنان اختلاف نظر داشته است، آل سعود فرصت را مناسب دید تا با دخالت در امور داخلی این کشور زمینه را برای ناآرامی‌های بیشتر و عمق‌تر و گسترش دادن به آنها مناسب ببیند.

* عربستان از تمام امکانات خود برای مقابله با خروش ملل استفاده می‌کند

به همین دلیل است که روزنامه "نیویورک تایمز" می‌نویسد: عربستان تمام امکانات مالی و دیپلماسی خود را در خاورمیانه بکارگرفته تا از رژیم‌های پادشاهی -از جمله خود- در برابر خروش ملت‌ها محافظت کند. این نشریه آمریکایی در ادامه می‌نویسد: از مصر که سعودی‌ها 4 میلیارد دلار کمک به شورای نظامی حاکم بر آن اختصاص دادند تا یمن و پادشاهی‌های اردن و مراکش که ریاض آنها را به پیوستن به شورای همکاری خلیج فارس دعوت کرده، همگی در تیررس تلاش عربستان برای پیشگیری از تغییرات شدیدتر سیاسی، اجتماعی، منطقه‌ای است.

* اذعان به تاثیر انقلاب اسلامی و حفظ رژیم‌های سلطه‌گر در منطقه

در واقع عربستان با اذعان به تاثیر انقلاب ایران در ملت‌های منطقه و وحشت حاکمان دیکتاتور در برخی کشورهای عربی به شدت بر ایجاد ثبات نسبی در کشورهای پادشاهی عربی تاکید دارد و این بخشی از تلاش‌های آل سعود برای جلوگیری از هرگونه تغییر در رژیم‌های حکومتی سلطه‌گراست، زیرا هر تغییری در این کشورها چالش‌هایی مهار نشدنی در روند تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی داخلی عربستان ایجاد می‌کند.

* پیوستن اردن و مراکش به شورای همکاری برای تکمیل باشگاه دیکتاتورها

همچنین پیشنهاد عربستان درباره پیوستن اردن و مراکش به شورای همکاری خلیج فارس که به ریاض اجازه داد، برای سرکوب شورش‌ها نیرو به بحرین اعزام کند با هدف شکل‌گیری نوعی "باشگاه دیکتاتورها" صورت گرفته و به گفته تحلیل‌گران نشان از تلاش دیکتاتورهای عرب جهت حفظ منافع خود در کشورهایشان و در منطقه دارد.

* اذعان تحلیلگران مصري و بين المللي به "تحركات ضد انقلاب" عربستان

طیف دخالت عربستان برای مقابله با بروز ناآرامی در کشورهایی که دیکتاتورهایي بسان آل سعود بر آن حکومت دارند، به اندازه‌ای است که برخی تحلیلگران مصري و بين المللي از آن بعنوان يك "تحرك ضد انقلاب" یاد کرده‌اند. "خلیل دخیل"، تحلیلگر سیاسي سعودي می‌گوید: مطمئنم آل سعود این موج انقلابي را دوست ندارند و واقعا از آن ترسیده‌اند. در مصر یعنی جایی که انقلاب، حسني مبارك متحد نزدیک سعودي‌ها را سرنگون کرد، عربستان پول خرج می‌کند تا با تجدید روابط خود با دولت انقلاب از پیروزي اخوان المسلمون در انتخابات آتی پارلمان این کشور جلوگیری کند. سعودي‌ها نگران آن هستند که اخوان المسلمون با ارائه يك مدل قانون اسلامي متفاوت با سنت وهابي سلطنت مطلقه، مشروعیت آنان را خدشه دار کنند. در واقع مقامات سعودي نگران آن هستند که سیاست خارجي مصر با نزدیک شدن به گروه اسلامي حماس و برنامه تجدید روابط با ایران دگرگون شود.

* پیشنهاد تشکیل ائتلاف "تل‌آویو" "ریاض"

همین موضوع موجب شده تا روزنامه صهیونیستی "یدیعوت آحرانوت" بنویسد: اسرائیل و عربستان باید درمقابل تهدیدات منطقه‌ای از جمله انقلاب‌های عربي و ایران و هم‌پیمانانش در منطقه با یکدیگر متحد شوند. این روزنامه درمقاله‌ای به قلم "شولا رومانو هورینگ" نوشت بالاخره عربستان و اسرائیل زمینه‌های مشترکي برای اتحاد استراتژیک موقت میان خود یافتند، درست مثل آنچه میان اتحاد جماهیر شوروي و آمریکا برضد رژیم نازي درجنگ جهانی دوم اتفاق افتاد؛ اسرائیل و عربستان هردو به باراك اوباما رئیس جمهور آمریکا به عنوان يك متحد قابل اعتماد شك دارند و از آینده روی کار آمدن دولت‌های اسلامي و مردمي و ایران هسته‌ای در منطقه در هراسند. نویسنده این مقاله معتقد است، منطقي است که عربستان با وجود اختلافات اساسي و دشمني قدیمی با اسرائیل به دلیل حفظ بقا و استقلال سیاسي خود با اسرائیل همکاری کند در غیر این صورت عربستان بدون کمک يك متحد توانا، قوي و قابل اعتماد اولین قربانیان انقلاب‌های منطقه‌ای و ایران هسته‌ای خواهند بود.